

نقد عاشورا انگاری در کتاب تاریخ طبری

صغری فهیمی^۱

چکیده

واقعه عاشورا از جمله وقایع مهم در اسلام است که تاریخ نگاران زیادی آن را بررسی کرده‌اند. این واقعه در کتاب *تاریخ الامم والملوک طبری (تاریخ طبری)* نیز به طور مستند آمده است. پژوهش حاضر باهدف نقد سندی گزارش‌های این کتاب با بررسی منابع طبری در نگارش آن، شناخت راویان مطرح شده در این کتاب، روش و شیوه طبری و همچنین نقد محتوایی گزارش‌های آن در سه قالب رویکرد سیاسی، کلامی و عاطفی به روش نقد تاریخی با معیارهای نقد بیرونی و درونی انجام شد. با تحلیل نقدی گزارش‌های عاشورا در کتاب *تاریخ الامم والملوک* مشخص شد که طبری به علت داشتن نگرش تاریخی، به کتاب *مقتل ابی‌مخنف* اعتماد و اکثر روایت‌های عاشورا را از این کتاب نقل کرده است. همچنین روایت‌ها را با توجه به گرایش‌های سیاسی، کلامی و عاطفی گزینش و چینش کرده است؛ نوع چینش او سبب شده است به خواننده القاء شود که دستگاه حاکمیت آن دوره در آفرینش حادثه عاشورا مقصر نبوده است.

واژگان کلیدی: تاریخ طبری، کتاب *تاریخ الامم والملوک*، رویکرد سیاسی تاریخ طبری، نقد سندی تاریخ طبری، نقد عاشورا انگاری، نقد محتوایی تاریخ طبری، رویکرد عاطفی تاریخ طبری.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹
۱. دانش‌آموخته سطح چهار تاریخ اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگر جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ایران.

۱. مقدمه

محمد بن جریر طبری (۳۲۰ق) از مورخین قرن سوم و نویسنده کتاب *تاریخ الامم و الملوک* است که در علوم دیگری مثل تفسیر تبحر داشت. کتاب *تاریخ طبری* به دلیل مستند بودن، اهمیت زیادی دارد، اما روایت‌های تاریخی در این کتاب بدون ارزیابی و تحلیل ذکر شده‌اند. طبری در مواردی به دلیل گرایش سیاسی و کلامی، اخبار تاریخی را گزینش و گاهی یک روایت را در قالب چند روایت و از روایان مختلف نقل کرده است. منبع اصلی طبری کتاب *مقتل الحسین ابی مخنف* است که از بین رفته است و طبری اولین فردی است که بسیاری از گزارش‌های این کتاب را در کتاب خود حفظ کرده است. بنابراین، کتاب *تاریخ طبری* اولین کتاب مستند در عاشورا نگاری است. طبری با توجه به گرایش‌های سیاسی و اعتقادی کلامی، گزارش‌های عاشورا را گزینش کرده و برخی از روایت‌ها را در کتاب خود نیاورده است.^۱ چینش روایت‌ها در این کتاب به گونه‌ای است که به خواننده القا می‌کند عامل اصلی به وجود آورنده حادثه کربلا افراد دیگری به جز یزید هستند (ر.ک... طبری، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۴۶۲). برای روشن شدن اعتبار روایت‌ها در قالب اولین منبع و مشخص شدن مقصود راوی از گزینش برخی روایت‌ها نقد گزارش‌های طبری ضروری به نظر می‌رسد.

پژوهش حاضر به روش نقد سند (نقد راوی و منبع) و نقد محتوایی در سه قالب رویکرد سیاسی، کلامی و عاطفی انجام شد. در پژوهش حاضر ابتدا با شناخت منابع طبری و نویسندگان آن مشخص شد که وی به روایت چه کسانی اعتماد کرده است. سپس، آمار روایت‌ها برای مشخص شدن بهره‌گیری میزان استفاده از منابع، بررسی شد. شیوه سالشماری و روش روایی طبری نیز گزینه دیگری برای شناخت این منبع است که باعث شده است روایت‌های مختلف از یک جریان را به شیوه‌های مختلف نقل کند و مطالب نقض در یک موضوع را بیان کند، اما در جریان بیان مجلس شام به این شکل عمل نکرده و از این نظر قابل نقد است.

درباره نقد عاشورا نگاری در *تاریخ طبری* تاکنون مقاله یا کتابی نوشته نشده است، اما در مورد بررسی و نقد کتاب *تاریخ طبری* دو مقاله و یک پایان‌نامه نوشته شده است. مهرالهی

۱. یوسفی غروی مقتل ابی مخنف را بازسازی کرده است و روایت‌ها حذف شده را از منابع دیگر جمع‌آوری کرده و در کتابی با عنوان *وقعه الطف* ثبت کرده است.

(۱۳۸۵ هـ.ش) در مقاله بررسی و نقد دیدگاه و روش طبری در تاریخ نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام، تحریف‌های تاریخی در موضوع اهل بیت علیهم‌السلام را بررسی کرده است، اما به دلیل گستردگی موضوع نمی‌تواند مسئله‌یابی کند. این مقاله موضوع محور است و به دلیل روشمند نبودن و عدم ساختار مناسب، نویسنده از هر موضوعی برای اثبات ادعا بهره برده است. مقاله بررسی و نقد دیدگاه و روش طبری در تاریخ نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام (سالاری شاد، ۱۳۹۰ هـ.ش) در صدد است تا با تکیه بر روایت‌های مدائنی در تاریخ طبری به اهمیت و رویکرد این روایت‌ها بپردازد؛ از جمله اینکه طبری در چه مواردی به روایت‌های مدائنی اعتماد کرده است و این اعتماد به چه عواملی بازمی‌گردد. با توجه به تاریخ طبری، روایت‌های مدائنی در میان روایت‌های هم‌تراز او در موارد مشابه چه جایگاه و منزلتی دارد و بینش و دیدگاه مدائنی در این روایت‌ها از چه عواملی تأثیر پذیرفته و تاریخ‌نگاری او چه خصوصیت‌هایی دارد که طبری به آن اقبال خاصی نشان داده است. در پایان‌نامه نقد و بررسی تاریخ طبری (تمدنی، ۱۳۵۹ هـ.ش)، مبنای پژوهش، روایان تاریخ طبری است که نتایج نشان می‌دهد یکی از مهمترین مسائل تاریخ طبری موضوع روایان است. فزونی تعداد ناقلان و موضوع‌های گوناگون تاریخ طبری باعث شده است تا نویسنده به هدف اصلی خود برسد. این پایان‌نامه مقدمه‌ای برای یک مطالعه وسیع و همه‌جانبه در ارزیابی تاریخ طبری است.

مقاله‌ها و کتاب‌هایی که منابع عاشورانگاری را معرفی کرده‌اند به عاشورانگاری طبری به طور خلاصه می‌پردازند مانند مقاله رنجبر (۱۳۸۶ هـ.ش) که با معرفی منابع عاشورانگاری به اختصار به عاشورانگاری در تاریخ طبری می‌پردازد. هیچ‌یک از آثار ذکر شده فوق عاشورانگاری در تاریخ طبری را به طور خاص بررسی نکرده است. بررسی محتوایی تعدادی از روایت‌های عاشورا که با رویکردهای خاص گزینش شده و همچنین بررسی روایان و منابع این روایت‌ها از ویژگی شاخص پژوهش حاضر است. عاشورانگاری حاوی وقایعی است که از حرکت امام حسین علیه‌السلام از مدینه آغاز و با برگشت اسرا به مدینه خاتمه می‌یابد.

۲. ویژگی‌های نقد تاریخی

نقد به معنای سنجش یک دیدگاه بر اساس ترازوی منطقی و تعیین اعتبار و صحت

گزارش‌هاست که با ملاک‌های عینی و همگانی انجام می‌شود. (قراملکی، ۱۳۸۳ ه.ش) نقد تاریخی نیز به تبع همین ملاک‌ها انجام می‌شود. این نقد از دو بخش درونی و بیرونی تشکیل شده است. در نقد بیرونی از منبع، راوی و ساختار گزارش تاریخی بحث می‌شود (حضرتی، ۱۳۹۴). نقد درونی با استفاده از اطلاعات نقد بیرونی، به تحلیل محتوا می‌پردازد (مسعودی، ۱۳۸۸ ه.ش).

۲-۱. نقد بیرونی

در این نوع نقد مباحثی مانند هویت خانوادگی، شخصیت علمی، گرایش سیاسی-کلامی و مذهبی نویسنده کتاب و راوی مورد توجه قرار می‌گیرد. (فتاحی‌زاده، ۱۳۸۵ ه.ش) در این روش باتوجه به فاصله زمانی راوی و منبع به زمان حادثه توجه می‌شود. بررسی منابع و مآخذ منبع نیز در نقد تاریخی اهمیت بسیار دارد (حضرتی، ۱۳۹۴). دیدگاه تاریخی نویسنده نیز در گزینش گزارش‌ها تأثیر دارد (شیخی، ۱۳۹۰ ه.ش). با بررسی گزارش‌های تاریخ طبری واضح است که دیدگاه او تاریخی است و به مباحث فراتاریخی نمی‌پردازد.

۲-۲. نقد درونی یا محتوایی

نقد درونی یا محتوایی به معنای دقت در درون‌مایه و محتوای یک گزارش برای تعیین اعتبار آن است. در این روش، گزارش با معیارهای پذیرفته‌شده مورد سنجش قرار می‌گیرد. (حضرتی، ۱۳۹۴) فهم اندیشه مورخ که در لایه‌های زیرین پیام نهفته است از نتایج مهم نقد درونی است. برای فهم محتوای یک گزارش باید به انگیزه نویسنده کتاب و راوی، کشف و فهم دیدگاه اصلی نویسنده و فهم معنای واقعی گزارش توجه کرد.

تاریخ‌نگری مورخان همواره از یک نظم گفتمانی که دال مرکزی دارد، تبعیت می‌کند. به همین دلیل تاریخ‌نگاری آنها با رویکردی کلان به تاریخ و رویدادهای تاریخی می‌نگرد. برای درک عمیق گزارش‌های تاریخی باید رویکرد کلان نویسنده به تاریخ کشف شود. طبری در تاریخ‌نگاری خود، تابع نظم گفتمانی مسلط زمانه خود یعنی، نگاه نخبه‌محورانه به تاریخ است. وی باتوجه به چنین دیدگاهی بر نخبگان سیاسی و دینی تأکید دارد و در تمام مراحل تاریخ‌نگاری خود از سطح نخبگان به سطح مردم عادی نزول نمی‌کند. طبری سرگذشت انبیا، پادشاهان و بزرگان دین را برای ثبت ارزشمند می‌داند. فهم چنین مطلبی

کمک بسیاری در درک تاریخ‌نگاری او دارد. (حضرتی، ۱۳۹۴) فهم معنای واقعی روایت و ارزیابی آن نیز از گزینه‌های مهم در فهم گزارش تاریخی است. گاهی نویسندگان یا راوی نمی‌خواهد مفهومی واقعی گزارش را در ظاهر بیان کند، اما مقصود اصلی او فهماندن معنای واقعی است. طبری در گزارش عاشورا به واسطه ابی‌مخنف و عوانه بن حکم، به گونه‌ای عمل کرده است که در ظاهر، مورخی بی‌طرف بوده که درصدد نقل گزارش هاست، اما با چینش و گزینش روایت‌ها، مخاطب را به وجود یک معنای واقعی در درون آنها یعنی، تبرئه عاملان عاشورا و مسکوت گذاشتن فلسفه قیام امام حسین علیه السلام سوق می‌دهد (حضرتی، ۱۳۹۴). بنابراین، باتوجه به معیارهای نقد باید گزارش‌های عاشورا نگاری را در تاریخ طبری بررسی کرد تا اعتبار گزارش‌ها سنجیده شود.

۳. زندگی‌نامه علمی - سیاسی طبری

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری آملی (خطیب بغدادی، بی‌تا، ۱۶۶/۲) در سال ۲۲۴ یا ۲۲۵ (حموی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۴۹/۱۸) در آمل به دنیا آمد. او در سن هفت سالگی قرآن را حفظ کرد و در نه سالگی در زمینه حدیث تبحر داشت (طبری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۶/۱). پدر طبری در آمل زمین کشاورزی داشت و از راه کشاورزی زندگی خود را می‌گذراند. او به هوش سرشار پسرش پی برد و در راه تحصیلات او کوشش فراوان کرد. در سن یازده سالگی رضایت داد تا پسرش برای کسب علم و دانش به شهر ری برود. او در شهر ری از محضر محمد بن حمید رازی و مثنی‌ابراهیم ابلی اخذ حدیث کرد. وی کتاب *المبتدأ* را از احمد بن حماد دولابی کتابت کرد و مغازی محمد بن اسحاق را از سلمه بن فضل فراگرفت و آن را اساس و یکی از مصادر کتاب تاریخ خود قرار داد. طبری برای تحصیل به شهرهای مختلف مانند واسط، کوفه، بغداد، مصر و شام سفر کرد و از محضر استادانی مانند محمد بن موسی حرث، بشر بن معاذ، بن خلاد، محمد بن علاء همدانی و... کسب علم و دانش کرد. طبری در سال ۲۹۰ برای آخرین بار به آمل برگشت و پس از آن به بغداد آمد و تا آخر عمر در بغداد ماند (حموی، ۱۹۹۳ م، ۲۴۴/۶). او پس از سال‌ها تألیف و تدریس در سال ۳۱۰ هجری در ۲۸ شوال دیده از جهان فروبست (خطیب بغدادی، بی‌تا، ۱۶۳/۱). طبری از محضر اساتید بزرگی مانند محمد بن حمید رازی،

مثنی بن ابراهیم ابلی، سلمه بن فضل، معمد بن موسی حرثی و عماد بن موسی الفراز بهره برد. طبری از علمای اهل سنت و شافعی مذهب بود. وی پایه‌گذار مذهب جریریه در کنار چهار مذهب دیگر اهل سنت بود. پس از وفات طبری گروهی به نام جریریه از این مکتب پیروی کردند (بلعمی، بی تا، ۶/۳).

خطیب بغدادی از قول ابوبکر بالویه می نویسد: «طبری یکی از علمای پیشرو و در شمار رهبران دینی بود. او به خاطر فضل و معرفتش طبق نظر خود حکم می کرد و به رأی خویش متکی بود». (خطیب بغدادی، بی تا، ۱۶۳/۱) طبری در زمینه‌های مختلف علوم تبحر داشت و کتاب‌های زیادی نوشت. از علومی که طبری فراگرفت و در آنها صاحب نظر بود می توان به علم فقه، حدیث، ادبیات، تاریخ، تفسیر قرآن و صرف و نحو اشاره کرد. توسعه دایره معلومات طبری در تألیفاتی که از او برجای مانده است به خوبی مشهود است. کتب تاریخ الامم و الملوک، تفسیر طبری و اختلاف علما، اللطیف القول فی احکام شرایع الاسلام (اختلاف فقه) از آثار اوست (بلعمی، بی تا، ۲۴/۱).

فضای سیاسی و مذهبی در زمان طبری بسیار آشفته بود. از سال ۲۳۲ تا ۳۳۴ دوره نفوذ ترکان در خلافت عباسی بود. این دوره بدترین شرایط را برای شیعیان بغداد ایجاد کرد؛ زیرا هم ترکان و هم خلفای عباسی تعصب مذهبی و نسبت به گرایش‌های شیعی حساسیت شدید داشتند. (حمانی، ۱۴۰۰ ه.ش) در زمان متوکل، معتزله از مناصب حکومتی عزل و حنابله در مسند امور قرار گرفتند. قدرت یافتن حنابله به معنای سخت‌گیری بیشتر بر گرایش‌های شیعی بود (طبری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۵۵/۹). کتاب تاریخ طبری تاریخ عمومی است که از ابتدای خلقت تا زمان زندگی مؤلف را دربردارد. تاریخ طبری به دو بخش پیش از اسلام و پس از اسلام تقسیم می‌شود. طبری در بخش اول به مباحث خلقت، پیامبران، امت‌های پیشین و تاریخ پادشاهان ایران و روم می‌پردازد. روش بیان تاریخ قبل از اسلام به صورت موضوعی بوده و ترتیب ذکر حوادث در این بخش برحسب ترتیب انبیا و جایگاه تاریخی حوادث است. بخش دوم تاریخ طبری که حوادث دوره اسلامی است از سال اول هجرت به شیوه سال شمار آغاز و به وقایع سال ۳۰۲ ختم می‌شود.

روش طبری در تدوین تاریخ، روش روایی است؛ وی روایت‌های تاریخی را همراه با

سلسله سند بیان می‌کند. طبری روایت‌های تاریخی را بدون تحلیل آورده است و خود بیان می‌کند: «اعتماد من در آنچه ذکر نموده و به رشته تحریر درآورده‌ام اخبار یا روایاتی است که به روایان آن نسبت می‌دهم و جز در برخی موارد از تطبیق آن با حجج عقلی و پژوهش‌های شخصی خودداری ورزیده‌ام؛ زیرا احاطه بر اخبار گذشتگان و یا اخبار معاصران جز از طریق نقل روایت مقدور نبوده و امکان تحقیق آنها به نیروی خرد و ملکه استنباط میسر نیست». (طبری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۲۵/۱) طبری بیش از آنکه یک تاریخ‌نگار باشد مفسر قرآن و محدث و فقیه است. به همین دلیل می‌توان محرک اصلی او را اعتقادات مذهبی‌اش دانست. وی در کتاب تاریخی خود پیوسته می‌خواهد از شرع دفاع کند و با بدعت و ضلالت به نبرد بپردازد و زمینه تحقق هدف برخی از آیات مانند «قل سیروا فی الارض» (انعام: ۱۱) را فراهم کند. طبری تمام رویدادهای جهان را مخلوق اراده و مشیت خداوندی می‌بیند (زرین‌کوب، ۱۳۵۳ ه.ش). عاشورا نگاری در کتاب تاریخ طبری از نظر سندی و محتوایی قابل نقد است. در نقد سندی، شناخت منابع و وثاقت روایان و همچنین بیان اینکه چه درصدی از روایت‌ها از افراد موثق نقل شده‌اند، اهمیت دارد.

۴. منابع طبری در عاشورا نگاری

۴-۱. منابع شفاهی در عاشورا نگاری طبری

طبری در ابتدای برخی روایت‌ها از عبارات‌های «حدثنی و حدثنا» بهره برده است. او روایت‌های شفاهی خود را از افرادی مانند حسین بن نصر بن مزاحم (طبری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۳۹۱/۵)، محمد بن عمار رازی^۱ از سعید بن سلیمان (طبری، بی‌تا، ۳۹۱/۵)، حارث بن کعب والبی^۲ از ابن سعد (طبری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۳۸۳/۵)، احمد بن ثابت^۳ از اسحاق بن عیسی از ابی معشر (طبری، بی‌تا، ۳۹۹/۵)، زکریا بن یحیی ضریح از احمد بن جناب مصیصی^۴ اخذ کرده است.

۴-۲. منابع مکتوب در عاشورا نگاری طبری

طبری از منابع مکتوب مختلفی بهره برده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. از علمای جرجان است که از او روایت‌ها در کتاب تاریخ جرجان نقل شده است. (ر.ک.، سهمی، ۱۴۰۷ ه.ق)
۲. حارث بن کعب والبی از افرادی است که ابی مخنف از او روایت نقل کرده است. این با نقل شفاهی طبری از او سازگاری ندارد. (ر.ک.، شوشتری، ۱۴۱۰ ه.ق، ۴۹/۳)
۳. اهل قرطبه که در سال ۳۰۶ از دنیا رفته است و هم عصر طبری می‌باشد. (ابن فرضی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۵۸/۱)
۴. در مورد زکریا بن یحیی مطلبی یافت نشد، اما احمد بن جناب جزو علمای بغداد است و احمد بن حنبل از او روایت نقل کرده است. (ر.ک.، خطیب بغدادی، بی‌تا، ۲۹۸/۴)

- مقتل ابی مخنف: ابی مخنف به واسطه هشام بن محمد سائب کلبی که شاگرد او بود اخبار را بیان کرده است. هشام همه کتاب یا بیشتر روایت های ابومخنف را با اضافاتی که از راه های دیگر به دست او رسیده بود به صورت کتابی تدوین و تنظیم کرد. آن گاه طبری یک قرن بعد از آن بهره برد؛

- گزارش های واقدی: طبری از گزارش های واقدی نیز استفاده کرده است. گزارش های واقدی روایاتی از امام باقر علیه السلام به نقل از عمار دهنی است؛

- اصبع بن نباته (نجاشی، ۱۴۰۷ ه.ق): طبری در یک مورد از این منبع روایت نقل کرده است؛

- هشام کلبی: طبری حدود ۲۴ روایت مستقیم از هشام کلبی نقل کرده است؛

- محمد بن عمر (ابن سعد): طبری از ابن سعد که شاگرد واقدی بود نیز روایت نقل کرده است.

۴ - ۳. آمار روایت ها با توجه به ناقلان شیعه و اهل تسنن

در نقد گزارش های حادثه عاشورا در کتاب تاریخ طبری ابتدا باید آمار روایت ها مشخص شود. در ادامه با توجه به گرایش های روایان مشخص می شود که بهره گیری طبری از روایان شیعه و اهل سنت به چه میزانی بوده است. به این صورت اعتبار گزارش های عاشورا روشن می شود.

- طبری از قول ابی مخنف بیشترین روایت را آورده است. ۱۱۱ روایت از مجموع ۱۳۵ روایت از ابی مخنف نقل شده است؛

- از هشام کلبی ۲۴ روایت نقل کرده است. از ۲۴ روایت ۱۱ روایت از قول ابی مخنف است؛

- از قول محمد بن سعد ۴ روایت نقل کرده است که مربوط به مطالب جزئی است.

از جمله مربوط به سن امام در زمان شهادت و زمان شهادت ایشان؛

- از قول حسین بن نصر بن مزاحم و ابوقتیبه هر کدام یک روایت نقل کرده است که از

قول نفر اول یک روایت کلی از تمام ماجرا آورده است.

- از قول اصبع بن نباته نیز یک روایت ذکر شده است.

در مجموع می توان نتیجه گرفت که طبری ۱۲۲ روایت را از قول ابی مخنف آورده

۱. هشام کلبی عالم به نسب و اخبار عرب بوده و آثار بسیاری برای او نقل شده است. (رک، ابن ندیم، بی تا)
 ۲. محمد بن عمر، کاتب استاد خود، واقدی بود. کتاب طبقات الکبری از آثار اوست. وی در سال ۲۳۰ از دنیا رفت. (رک، اشعری، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۲۴/۱)

است. سپس، بیشتر روایت‌ها از گزارشات هشام‌کلبی است که شاگرد ابی مخنف است. وی دومین فرد تأثیرگذار در عاشورا نگاری طبری است. با این بیان واضح است که طبری در عاشورا نگاری به منابع شیعی اعتماد کرده است، اما این بدان مفهوم نیست که همه اخبار را پذیرفته باشد. وی برخی از اخبار را نیاورده است و این زمینه نقد عاشورا نگاری وی را فراهم می‌کند که چرا برخی اخبار در کتاب وی ذکر نشده است.

۴ - ۴. مذهب راویان^۱

بررسی مذهب راویان عاشورا نگاری در کتاب تاریخ طبری اهمیت بسیاری دارد. در ادامه به افرادی اشاره می‌شود که کتاب داشته و بیشترین گزارش‌های عاشورا به نقل از آنهاست. ابی مخنف، هشام‌کلبی و عمار دهنی از جمله این افراد هستند. ابی مخنف از افرادی است که درباره تشیع او نقل‌های متفاوتی وجود دارد؛ عده‌ای او را شیعه اعتقادی نمی‌دانند.^۲ برخی از رجال‌شناسان، لفظ شیعه را برای او به کار می‌برند. ابن عدی او را شیعه تندرو و یا غالی می‌داند و از لفظ شیعه محترق بهره می‌گیرد. (ابن عدی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۹۳/۶) ذهبی او را رافضی لقب داده است (ذهبی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۵۸۱/۹). ابن کثیر برخی از اخبار عاشورا را نمی‌پذیرد و می‌گوید این اخبار را ابن جریر طبری از قول ابی مخنف آورده که او شیعه و روایت‌های او نزد علمای اهل سنت ضعیف است (ابن کثیر، بی‌تا، ۲۰۲/۸). عبدالحسین شبستری، ابی مخنف را شیعه می‌داند (شبستری، ۱۴۱۸ ه.ق). قدر مشترک تمام روایت‌ها بر گرایش شدید ابی مخنف به تشیع دلالت دارد.^۳ با جمع بین اخباری که حکایت از مذهب ابی مخنف دارد، می‌توان گفت که ابی مخنف شیعه اعتقادی به مفهوم امروزی نبود، اما گرایش شیعی در او بسیار قوی بوده است. هشام کلبی (بخاری، ۱۴۲۶ ه.ق؛ نجاشی، ۱۴۰۷ ه.ق) و عمار دهنی (حلی، بی‌تا) راویان دیگر طبری هستند که رجالیون بر شیعه بودن آنها اتفاق نظر دارند. هشام کلبی شاگرد ابی مخنف بوده و بیشتر روایت‌های طبری توسط ایشان نقل شده است. باتوجه به گرایش شیعی

۱. منظور راویانی است که هم اخبار بیشتری از آنها نقل شده و هم خبر آنها در بیان واقعه از اخبار مهم است.

۲. زنجیر، محقق عاشورا پژوهی است که ابی مخنف را براساس گزارش نجاشی شیعه نمی‌داند. (زنجیر، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۱۰) نجاشی از ابی مخنف با عنوان «شیخ اصحاب کوفه» یاد کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ ه.ق) درحالی‌که نجاشی در مورد افراد شیعه لفظ «شیخ اصحابنا» به کار برده است (نجاشی، ۱۴۰۷ ه.ق). دلیل دیگر این نویسنده این است که رجالیون ابی مخنف را رافضی خطاب نکردند و همچنین ابن ابی‌الحدید به عدم تشیع او تصریح کرده است (ر.ک.، ابن ابی‌الحدید، ۱۳۲۷ ه.ش، ۱۴۷/۱).

۳. امین (۱۴۰۸ ه.ق، ۳۵۳/۶) در کتاب مستدرکات اعیان‌الشیعه به تفضیل در این مورد بحث نموده و دلایل کسانی را که شبهه وارد کرده‌اند نیز بیان و آنها را بررسی کرده است.

ابی مخنف و شیعه بودن شاگردش و همچنین روایت‌هایی که به نقل از عمار دهنی از امام باقر علیه السلام نقل شده است، حدود ۹ روایت از عوانه بن حکم^۱ است که هشام کلبی آنها را نقل کرده است. این روایت‌ها نشان می‌دهد که طبری بیشترین اخبار را از افراد شیعه‌ای که در کتب رجالی مطرح هستند، آورده است. بنابراین، طبری در گزارش روایت‌های تاریخی مقتل امام حسین علیه السلام از منابع شیعی بهره برده است. وی با توجه به بینش تاریخی خود از این منابع استفاده کرده است. ابی مخنف با نگرشی تاریخی، مقتل امام حسین علیه السلام را نوشته است. در این نگرش به گزارش‌های فراتاریخی اهمیت داده نمی‌شود و آنچه در تاریخ اتفاق افتاده است نویسنده همان را گزارش کرده است. به همین دلیل طبری در بیان مباحث واقعه عاشورا به کتاب *مقتل ابی مخنف* اعتماد کرده است. طبری با توجه به گرایش‌های سیاسی و کلامی خود در چینش و گزینش اخبار به‌گونه‌ای عمل کرده است که حکومت یزید در ایجاد واقعه عاشورا مقصر شناخته نشود.

۵. روش طبری در عاشورانگاری

روش طبری در نقل اخبار، روش روایی است. او روایت‌های مختلف تاریخی را با سلسله سند به‌طور ناقص یا کامل ذکر کرده است. بنابراین، روایت‌ها را ترکیب نکرده است. عدم ترکیب اخبار با یکدیگر و تبدیل آن به یک خبر به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با مطالعه دقیق روایت‌ها آنها را تجزیه و تحلیل کند و روایتی که به نظر صحیح‌تر است، انتخاب شود. تفاوت دیدگاه‌ها باعث بروز چالش‌های و نواندیشی و پیشرفت می‌شود. شیوه طبری، شیوه حدیثی - خبری و سالنامه‌ای است. در شیوه حدیثی - خبری (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۶ ه.ش) حوادث و اخبار تاریخی به شکل خبر با درج سلسله راویان آن بیان شده است. این شیوه چند ویژگی دارد که عبارتند از:

- هر دسته اخبار درباره واقعه‌ای، مجرد از وقایع دیگر ذکر و به‌تنهایی کامل شده است و پیوندی با اخبار و حوادث دیگر ندارد؛

- ویژگی ادبی در آن دیده می‌شود؛ یعنی نویسنده گاهی از ایراد شعر، داستان و مناظره

نیز خرداری نکرده است؛

۱. عوانه، اهل کوفه و از علمای عامه و عالم به علم انساب، شعر و عثمانی مذهب بود. (یاقوت حموی، ۱۹۹۳ م، ۵/۲۱۳)

- اسناد روایت‌ها ناقص یا کامل ذکر شده است.

طبری تاریخ خود را براساس شیوه حدیثی- خبری آورده و روایت هر حادثه را به صورت مجرد از هم به چند نقل بیان کرده است. بنابراین، اگر طبری براساس روایت‌هایش نقد شود مشخص می‌شود که نظری که او اختیار کرده است، چیست و براساس آن نقد می‌شود. گزینش برخی اخبار توسط طبری یکی از معیارهای نقد اوست؛ زیرا عدم نقل برخی اخبار در گزارش‌های طبری از گرایش‌های سیاسی- مذهبی او نشأت می‌گیرد. شاید اشکال شود که طبری اخبار را از روایانی مانند ابی‌مخنف و دیگران نقل کرده و تنها یک ناقل خبر است. اگر فرض شود که طبری تنها می‌خواسته اخبار موجود را نقل کند، پس تکلیف روایت‌های نقل نشده تاریخی توسط طبری چه می‌شود؟ از گزینش برخی اخبار توسط طبری معلوم می‌شود که ایشان براساس گرایش‌های کلامی، مذهبی و سیاسی خود اخبار را انتخاب کرده است. وی حوادث پس از بعثت را به شیوه سال‌شمار آورده و همین شیوه در بیان تاریخ عاشورا نیز مشهود است. بنابراین، وی حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه تا مکه و مسیر مکه تا کربلا را در حوادث سال ۶۰ هجری و بقیه حوادث را در سال ۶۱ هجری ذکر کرده است.

۶. نقد محتوایی تاریخی طبری

طبری واقعه عاشورا را از وصیت‌نامه معاویه شروع می‌کند و تا برگشت اسرا به مدینه ادامه می‌دهد. او گاهی یک جریان را به دو یا سه نقل مختلف بیان می‌کند. وی با توجه به بستر زمانی و گرایش‌های سیاسی- مذهبی خود، روایت‌های واقعه عاشورا را گزینش و بدون نقادی آن را گزارش کرده است.

۱-۶. بررسی رویکردهای طبری

۱-۱-۶. رویکرد سیاسی طبری

طبری از نظر سیاسی مشروعیت حکومت عباسیان را در قالب دولت اسلامی تأیید کرده است. وی در زمانه‌ای زندگی می‌کرد که قیام‌های شیعی و غیرشیعی رواج داشت. نهضت استقلال طلبان ایران که برپایی حکومت طاهریان را به دنبال داشت و قیام سادات علوی در طبرستان پیروزی سیاسی بزرگی برای شیعیان تلقی می‌شد. بغداد هم یکی از مراکز فعالیت

شیعیان و مخالفان بود. در ایام اقامت طبری در بغداد، قیام صاحب‌الزنج در بصره و واسط به وقوع پیوست که این قیام‌ها کیان خلافت را در بغداد به خطر انداخت. طبری در کتاب خود این قیام‌ها را نقل کرده است، اما از هیچ قیامی جانبداری نکرده است. طبری بی‌طرفانه به نقل اخبار قیام صاحب‌زنج و حکومت علویان طبرستان که در زمان او شکل گرفت، اکتفا نموده است (طبری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۹/۴۷۰). اندیشه سیاسی وی با توجه به عدم مخالفتش با حکومت در بیان عاشورانگاری او تأثیر گذاشته است. نقد سیستمی^۱ گزارش‌های طبری از جریان عاشورا، نوع بینش وی را مشخص می‌کند. او امام علیه السلام را مانند سایر افراد قدرت طلب می‌بیند که از خصلت انسانی او سرچشمه می‌گیرد. طبری، با این دیدگاه روایت‌ها را چنین کرده است.

۶-۲. شواهد گرایش سیاسی طبری در انتخاب روایت‌ها

نوع عملکرد امام حسین علیه السلام: طبری در بیان عملکرد امام حسین علیه السلام گزارش‌هایی نقل می‌کند که از گرایش او به حکومت‌ها از جمله حکومت امویان حکایت دارد. از جمله این شواهد مطرح کردن سه درخواست از سوی امام حسین علیه السلام بعد از ملاقات با عمر سعد در کربلا است. بعد از این ملاقات عمر سعد به عبیدالله بن زیاد نامه نوشت و در آن از زبان امام حسین علیه السلام سه پیشنهاد را به ترتیب مطرح کرد: «بگذارید به مدینه بازگردم، یا دست‌در‌دست یزید بگذارم و او خودش در این مورد تصمیم بگیرد، یا مرا به هریک از مرزهای مسلمانان که می‌خواهید بفرستید که یکی از مردم آنجا باشم و حقوق و تکالیفی مانند آنها داشته باشم. عبیدالله با این پیشنهادها موافقت نکرد و گفت: «باید با من بیعت کند تا من او را نزد یزید بفرستم». طبری با چنین سیر بحثی می‌خواهد روابط عاطفی بین دو خانواده و خویشاوندی آنها را به خواننده القا کند. باید گفت که طبری در بیان این سه درخواست از سوی امام علیه السلام تردید دارد و با گفتار عقبه بن سمرعان این تردید را نشان می‌دهد. او بلافاصله بعد از این مطلب، روایتی از عقبه بن سمرعان می‌آورد که امام علیه السلام در طول راه هرگز سخنی بدین مضمون به زبان نیاورده است (طبری، بی‌تا، ۵/۴۱۳).

در مورد روایت فوق دو احتمال در نظر گرفته می‌شود: یکی اینکه چنین خبری شاید

۱. روش سیستمی یعنی، باید مجموعه‌ای از شرایط بیرونی و درونی برای گزارش تاریخی مانند شرایط راوی و منبع در نظر گرفته شود و با توجه به آن تحلیل شود.

ازسوی عمرسعد مطرح شده باشد؛ زیرا او در جنگ کردن تردید داشت. وقتی نامه عمرسعد برای ابن زیاد خوانده شد او گفت: «این پیشنهاد مردی است که مصلحت قومش را اندیشده است» (مفید، ۱۴۱۳، ۲/۸۷). هدف اصلی امام علیه السلام حراست از دین اسلام و زنده کردن آن بود. امام حسین علیه السلام در عبور از این مسیر با توجه به عزت طلبی خود، در تمام مراحل حرکت هیچ‌گاه تن به ذلت نمی‌داد و با فردی مثل یزید بیعت نمی‌کرد. به‌رحال ابهام‌هایی در نقل گزارش‌های تاریخی وجود دارد که باید محتوای این نقل‌ها با سیره معصومین و قرآن تطبیق داده شود و در صورت عدم تطابق به آن اعتنا نشود. از طرفی، امام حسین علیه السلام در دفاع از دین هیچ‌گاه عواطف انسانی را دخالت نداد و این سخن زهیر از اعتقادات مردم آن زمان نشأت می‌گیرد.

واقعه عاشورا معلول پذیرش دعوت کوفیان ازسوی امام علیه السلام: پس از آنکه کوفیان از خروج امام از مدینه و ورود او به مکه آگاه شدند برای امام علیه السلام نامه نوشتند و او را دعوت کردند تا به کوفه بیاید. امام علیه السلام برای بررسی اوضاع کوفه مسلم بن عقیل را به آنجا فرستاد. مسلم پس از ورود به کوفه با بزرگان کوفه دیدار کرد. بعد از بررسی شرایط ضمن نامه‌ای به امام علیه السلام درخواست کوفیان را تأیید کرد. (طبری، بی‌تا، ۳۵۶/۵) کوفیان مخالف حکومت یزید بودند. به‌همین دلیل، وقتی شنیدند که امام حسین علیه السلام با یزید بیعت نکرده و از مدینه به قصد کوفه بیرون آمده است برای او نامه نوشتند و از امام علیه السلام دعوت کردند که به کوفه برود و امام علیه السلام نیز دعوت آنها را پذیرفت. بنابراین، پاسخ مثبت امام حسین علیه السلام به مردم کوفه از نظر طبری نوعی مخالفت با حکومت بود. از نظر طبری، یزید باید با این حرکت برخورد می‌کرد. این نکته را از صحبت‌هایی که خطاب به امام سجاد علیه السلام نقل کرده است را می‌توان درک نمود. طبری بیان کرده است که یزید سخنانی بدین مضمون به امام سجاد علیه السلام گفت: «پدرت در حکومت با من منازعه داشت و چنین پیش آمد» (طبری، بی‌تا، ۴۶۱/۵). بنابر چنین دیدگاهی بینش سیاسی طبری بر این مبنا استوار است که یزید بنا بر عملکرد امام حسین علیه السلام باید چنین رفتاری را در کربلا انجام می‌داد.

حکومت خواهی و قدرت طلبی امام حسین علیه السلام: از نظر طبری یکی از اهداف حرکت امام حسین علیه السلام کسب قدرت بود. او گزارشی را از مجلس یزید و سخنان او نقل می‌کند که حکایت

از این امر دارد. طبری روایت کرده است که یزید به امام سجاد علیه السلام گفت: «پدرت خویشاوندی خود را با من قطع کرد و به خاطر قدرت و حکومتی که حق من بود با من به منازعه پرداخت» (طبری، بی تا، ۴۶۱/۵). قطع کردن روابط خانوادگی که یزید مدعی آن است در اینجا مقدمه بیان نظری قرار گرفته است تا او بتواند با توجه به دخالت عواطف انسانی، قدرت طلبی امام حسین علیه السلام را تفهیم کند و یا به نوعی چنین فاجعه‌ای را توجیه کند. این گزارش نیز بیانگر اندیشه سیاسی طبری در مواجهه با چنین حادثه‌ای است.

- به چالش کشیدن حاکمیت: نوع چینش روایت‌های تاریخی در عاشورا نگاری تاریخ طبری به گونه‌ای است که افرادی مانند عبیدالله را در به وجود آمدن این واقعه مقصر نشان می‌دهد. او با این روش یزید را در مقابل ایجاد واقعه عاشورا تبرئه می‌کند، اما از ویژگی‌های شخصیتی او نیز غافل نشده و برای معرفی او به سخنان امام علیه السلام استناد کرده است. از جمله طبری بیان کرده است که امام حسین علیه السلام در یکی از منازل بین راه مکه تا کربلا فرمود: «مگر نمی‌بیند به حق عمل نمی‌کنند و از باطل روی گردان نیستند. حقا که مؤمن باید به دیدار خدا راضی باشد که به نظر من مرگ شهادت است و زندگی با ستمگران مایه رنج» (طبری، بی تا، ۳۸۹/۵). همچنین، امام حسین علیه السلام در یکی از منازل به یاران خود و سپاه حر فرمود: «ای مردم، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس حاکم ستمگری را ببیند که محرمات خدا را حلال شمارد و پیمان خدا را بشکند و به خلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله خدا رود همچنین میان بندگان خدا با گناه و تعدی عمل کند و کسی به کردار یا به گفتار عیب او را نگوید، بدانید که اینان به اطاعت شیطان درآمده‌اند و اطاعت رحمن را رها کرده‌اند، حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام شمرده‌اند. و من شایسته‌ترین کسی هستم که عیب‌گویی کنم» (طبری، بی تا، ۳۸۹/۵).

در سخنان امام علیه السلام منظور از ستمگران، حاکمیت است. یزید، محوری‌ترین فردی است که از حقیقت روی گردان است و ستمگر شناخته می‌شود. در دو روایت فوق، عملکرد حاکم اسلامی به چالش کشیده شده و بیانگر این است که یزید به احکام اسلامی عمل نمی‌کند. با توجه به شواهد و گزارش‌های تاریخی، گرایش سیاسی طبری باعث شده است تا با بیان عملکرد امام حسین علیه السلام در مواجهه با حکومت، از یزید دفاع کند. همچنین با بیان سخنان امام علیه السلام حاکمیت را نیز به چالش کشیده است.

۶-۳. رویکرد تقدیرگرایانه به تاریخ (اعتقاد به جبر تاریخی)

طبری با نگاه تقدیرگرایانه به تاریخ برای بسیاری از وقایع و سرنوشت انسان‌ها توصیف عقلانی نمی‌یابد و خرد و استنباط فکری را در توضیح تاریخ کنار می‌گذارد. (آرام، ۱۳۸۶ ه.ش) او می‌گوید: «بیننده کتاب ما بداند که بنای من در آنچه آورده‌ام و گفته‌ام بر او یان بوده است نه حجت عقول و استنباط نفوس» (طبری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱/۲۴). مشیت و قضای الهی در عاشورانگاری طبری برخاسته از اعتقاد او به جبر تاریخی است.

۷. شواهد

طبری در ادامه به گفت‌وگوی بین امام سجاد علیه السلام و یزید در شام اشاره می‌کند که یزید گفت: «و خدا با او چنان کرد که دیدی». (طبری، بی تا، ۴۶۱/۵) منظور یزید از این جمله این است که من او را نکشتم، تقدیر برای او این سرنوشت را رقم زد. این تفکر غالب در حکومت اموی بود، اما به نظر می‌رسد طبری با نقل آن و بدون نقیض آوردن برای چنین مطلبی، این تفکر را پذیرفته است. بنابراین، با توجه به آنچه در مقدمه کتاب طبری درباره جبر تاریخی آمده است و بیان این گزارش‌ها، به دست می‌آید که او به تفکر جبر اعتقاد داشته است. این نوع اعتقاد در تاریخ‌نگاری او تأثیر گذاشته است و با گزینش و چینش گزارش‌های تاریخی، چنین تفکری را نیز بر مخاطب خود القا می‌کند. گزارش‌های دیگر طبری در زمینه نصایح دیگران به امام علیه السلام و واکنش ایشان مربوط می‌شود. امام علیه السلام در طول مسیر با افرادی برخورد کرد که ایشان را از رفتن به کوفه منع می‌کردند. طبری در یکی از گزارش‌ها می‌گوید: «لوزان، یکی از مردم بنی عکرمه گوید: عمویم در راه کوفه از امام پرسید که کجا می‌روی؟ امام پاسخ داد: کوفه. عمویم به امام گفت: با چنین شرایط پیش آمده رأی من این است که آنجا نروی. امام فرمود: رأی درست همین‌که تو می‌گویی، ولی بر اراده خدا نمی‌توان چیره شد» (طبری، بی تا، ۳۹۹/۵). طبری با بیان چنین مطلبی کشته شدن امام علیه السلام و یارانش را قضای الهی می‌داند که گریزی از آن نیست. بنابراین، جبری بودن حرکت مانع می‌شد تا امام علیه السلام به نصایح دیگران گوش کند و راه درست را انتخاب کند.

۸. رویکرد عاطفی طبری در عاشورا نگاری

طبری در نقل گزارش‌ها به صورت ضمنی مطالبی را ذکر می‌کند که نشان می‌دهد نوعی روابط عاطفی بین امام حسین علیه السلام و یزید به دلیل خویشاوندی وجود داشته است. نوع رفتار با اسرا در مجلس یزید و عدم ذکر نقیض چنین رفتاری که در منابع دیگر موجود است، شواهدی بر این مدعاست. در گزارش‌های طبری آمده است که یزید از تک‌تک زنان دلجویی کرد و از آنها پرسید: «از شما چه چیزهایی در این جنگ گرفته شد؟» فاطمه دختر امام حسین علیه السلام گفت: «حتی حلقه‌ای بر ما باقی نگذاشتند». یزید گفت: «آنچه به شما می‌دهم بیشتر از آنچه است که از دست دادید». بعد آنها را به منزل یزید بردند و در آنجا خانواده یزید به همراه اسرا عزاداری کردند. دختر امام علیه السلام سکینه گفت: «هیچ‌کس را که منکر خدا باشد از یزید بن معاویه بهتر ندیدم» (طبری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۴۶۴/۵). طبری بیان کرده است که یزید بعد از لعن عبیدالله می‌گوید: «اگر من با شما برخورد می‌کردم با اموال شما کاری نداشتم و از شما دفاع می‌کردم، حتی اگر فرزندانم فدا می‌شدند، اما من نمی‌خواستم چنین شود» (طبری، بی تا، ۴۶۲/۵). چنین برخوردهایی از مخالفت یزید با وقایع به وجود آمده در کربلا حکایت دارد در حالی که خودش از وقایع آگاهی داشت و فرمانده عملیات بود (خوارزمی، ۱۳۸۱ ه.ش، ۲۳۹/۱). یزید ابتدا عبیدالله را تشویق کرد و جوایزی به او داد و همچنین بر اسرا بسیار سخت گرفت (ابن جوزی، ۱۴۰۶ ه.ق). طبری با گزینش چنین اخباری سعی دارد تا یزید را تبرئه کند و مخاطب را در این زمینه با خود همراه می‌کند.

۹. نتیجه‌گیری

تاریخ طبری یکی از منابع مهم عاشورا نگاری است. بهره‌گیری این منبع از کتاب مقتل الحسين *ابی مخنف* به ارزش آن می‌افزاید؛ زیرا این کتاب از بین رفته است. طبری با توجه به گرایش‌های سیاسی و کلامی خود گزارش‌های تاریخی را گزینش کرده و با چینشی مناسب گرایش‌های خود آنها را نقل کرده است. سند روایت‌های تاریخی را ذکر کرده و تحلیل‌های شخصی را در ارائه گزارش‌های تاریخی دخالت نداده است. از مجموع نقد سندی گزارش‌های طبری نتیجه گرفته می‌شود که طبری در نقل روایت‌ها گزارش‌های واقعه عاشورا از منابع شیعی بیشتر بهره برده و با توجه به گرایش‌های خود اخبار را گزینش کرده است. روش طبری روایی است. در این روش، روایت‌های مختلف از یک واقعه به

شیوه‌های مختلف ذکر می‌شود. این روش در بیشتر گزارش‌ها وجود دارد، اما در برخی گزارش‌های عاشورا، طبری به یک یا دو نقل شبیه به هم اکتفا کرده است. از نقد محتوایی می‌توان نتیجه گرفت که طبری با توجه به گرایش‌های سیاسی و همسو بودن با جریان قدرت در نقل گزارش‌ها از حکومت جانبداری کرده است؛ مطرح کردن درخواست بیعت با یزید از سوی امام حسین علیه السلام بر این اساس است. امام علیه السلام با دعوت کوفیان به آنجا رفت. کوفیان با یزید مخالف بودند و امام علیه السلام خواست که با آنها همراهی کند. همین امر به اضافه حکومت خواهی امام علیه السلام در سخنان یزید با امام سجاد علیه السلام بیانگر بینش طبری در این مورد است. یزید منازعه در حکومت را دلیل مخالفت امام علیه السلام بیان می‌کند و به وجود آمدن حادثه کربلا را نتیجه چنین رفتاری می‌داند.

در رویکرد کلامی، دیدگاه تقدیرگرایانه طبری به تاریخ در عاشورا نگاری او تأثیر گذاشته و باعث شده است که واقعه عاشورا را با چنین رویکردی به تصویر بکشد. او حادثه کربلا را قضای الهی می‌داند که انجام شده است. رویکرد تقدیرگرایانه او در عاشورا نگاری تبرئه بنی امیه را به دنبال دارد و او چنین هدفی را در بازگویی روایت‌های تاریخی دنبال می‌کند. اگرچه او با گزینش اخبار، چنین دیدگاهی را تقویت کرده است، اما عاشورا نگاری او به دلیل آوردن روایت‌های متفاوت از یک قضیه، حقایقی را برای پژوهشگر آشکار می‌کند که بی‌گناهی بنی امیه در ماجرای عاشورا یک فرض محسوب می‌شود و با این دیدگاه فرضیه‌های دیگر نیز مطرح می‌شود.

رویکرد عاطفی از دیگر مباحثی است که در سخنان یزید با اهل بیت علیهم السلام دیده می‌شود. این رفتارها در این کتاب نقل شده است و منابع قبلی به آن نپرداختند. اذعان به مهربانی یزید و بخشش عطایا و دلجویی از امام سجاد علیه السلام گزیده‌های تاریخی در گزارش‌های طبری است. اگرچه برخی رفتارها در همه منابع ذکر شده است، اما برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که یزید در ابتدا عبیدالله را تشویق کرد و به هدایایی بعد از جریان کربلا داد. این رفتار در تاریخ طبری نیامده است. بنابر آنچه بیان شد طبری در عاشورا نگاری از منابع مکتوب شیعه تأثیر گرفته است، اما با توجه به گرایش‌های سیاسی و کلامی خود، گزارش‌های عاشورا را گزینش کرده و با چینش مناسب با گرایش‌های خود در تفهیم برخی نکات به خواننده تلاش کرده است که عبارتند از: تبرئه یزید، حکومت خواهی امام حسین علیه السلام، مهربانی یزید با

خاندان اهل بیت علیهم السلام، مقصر جلوه دادن افرادی مثل عبدالله برای انحراف ذهن آیندگان.

فهرست منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۰۶ هـ.ق). *الضعفاء والمتروکین*. محقق: عبدالله القاضی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن عدی الجرجانی، ابواحمد (۱۴۰۹ هـ.ق). *الکامل فی ضعفاء الرجال*. بیروت: دارالفکر.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالرحمن (۱۳۲۷ هـ.ش). *شرح نهج البلاغه*. قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۴. ابن فرضی، عبدالله بن محمد (۱۴۰۸ هـ.ق). *تاریخ العلما و الرواه للعلم بالاندلس*. مصر: مکتب الخانجی.
۵. ابن کنیر، اسماعیل بن عمر (بی تا). *البدایه و النهایه فی الفتن و الملاحم*. بیروت: دارالفکر.
۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا). *الفهرست*. لبنان: دارالمعرفه.
۷. ابی مخنف، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ هـ.ق). *وقعه الطف*. مصحح: یوسفی غروی، محمد هادی. قم: حوزه علمیه.
۸. اشبیلی، محمد بن خیر (۱۴۱۷ هـ.ق). *فهرسه ما رواه عن شیوخه من الدواوین المصنفه فی ضروب العلم و انواع المعارف*. مصر: مکتبه الخانجی.
۹. امین، حسن (۱۴۰۸ هـ.ق). *مستدرکات اعیان الشیعه*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. آرام، محمدباقر (۱۳۸۶ هـ.ش). *اندیشه تاریخی نگاری در عصر صفوی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۱. بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۲۶ هـ.ق). *کتاب الضعفاء*. بی جا: مکتب ابن عباس.
۱۲. بلعمی، ابوعلی (بی تا). *تاریخ نامه طبری*. تهران: انتشارات سروش.
۱۳. تمدنی، غلامحسین (۱۳۵۹ هـ.ش). *نقد و بررسی تاریخ طبری*. شیراز: دانشگاه ادبیات و علوم انسانی شیراز.
۱۴. حضرتی، حسن (۱۳۹۴). *درآمدی بر نقد تاریخی*. نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۲۰، ۹-۲۰.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف (بی تا). *ایضاح الاشتباه*. محقق: شیخ محمدحسین. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۶. حمدانی، کامران، و صادق کندمانی، مقصود علی (۱۴۰۰ هـ.ش). *نقش منازعات مذهبی در تضعیف اقتصادی پیشه وران بغداد در قرن چهارم و پنجم ه.ق*. نشریه پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، ۲۸ (۱۵)، ۱۸۷-۲۰۶.
۱۷. خطیب بغدادی، حافظ ابی بکر احمد بن علی (بی تا). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالفکر.
۱۸. خوارزمی، مؤیدالدین بن احمد (۱۳۸۱ هـ.ش). *مقتل الحسین*. قم: انوار المهدی.
۱۹. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۰۹ هـ.ق). *سیر اعلام النبلا*. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۰. رنجبر، محسن (۱۳۸۶ هـ.ش). *سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا*. نشریه تاریخ درآینه پژوهش، ۱۵، ۵۳-۹۰.
۲۱. رنجبر، محسن (۱۳۸۹ هـ.ش). *جریان شناسی تاریخی قرائت ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه*. قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی علیه السلام.
۲۲. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳ هـ.ش). *تاریخ در ترازو*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. سالاری شاد، علی (۱۳۹۰ هـ.ش). *نقد و بررسی روایت های ابوالحسن مدائنی در تاریخ طبری*. نشریه پژوهش های تاریخی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)، ۳۱، ۴۹-۷۲.
۲۴. سجادی، سیدصادق، و عالم زاده، هادی (۱۳۸۶ هـ.ش). *تاریخ نگاری در اسلام*. تهران: انتشارات سمت.
۲۵. سهمی، حمزه بن یوسف (۱۴۰۷ هـ.ق). *تاریخ جرجان*. لبنان: انتشارات عالم الکتب.
۲۶. شبستری، عبدالحسین (۱۴۱۸ هـ.ق). *الفائق فی الرواه و اصحاب الامام الصادق علیه السلام*. قم: نشر اسلامی.
۲۷. شوشتری، محمد بن تقی (۱۴۱۰ هـ.ق). *قاموس الرجال*. قم: جامعه مدرسین.
۲۸. شیخی، غفور (۱۳۹۰ هـ.ش). *روش تحقیق کیفی تاریخی*. مشاهده شده در سایت فوق التاریخ.
۲۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۸ هـ.ق). *تاریخ الامم و الملوک*. بیروت: دارالفکر.
۳۰. فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۵ هـ.ش). *مبانی و نقد حدیث در کتب اربعه*. قم: دانشگاه قم.
۳۱. قراملکی، فرامرز (۱۳۸۳ هـ.ش). *اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی*. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۳۲. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۸ هـ.ش). *وضع و نقد حدیث*. تهران: انتشارات سمت.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ هـ.ق). *رجال نجاشی*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۴. نورالهی، سید محمد (۱۳۸۵ هـ.ش). *بررسی و نقد دیدگاه و روش طبری در تاریخ نسبت به اهل بیت علیهم السلام*. نشریه پژوهش های اعتقادی کلامی، ۴، ۸۷-۱۰۴.
۳۵. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۳ م). *معجم الادباء*. محقق: عباس احسان. بیروت: دارالغرب الاسلامی.